

[مفاد هیئت جمله خبریه 1](#_Toc508524195)

[اشکال مرحوم خویی بنابر مسلک تعهد 1](#_Toc508524196)

[حکایت ثبوت نسبت و لا ثبوت مدلول جمله خبریه هست یا نه؟ 2](#_Toc508524197)

[عدم قصد حکایت در موضوع له بنا بر مسلک تعهد 2](#_Toc508524198)

[مفاد جمله خبریه 2](#_Toc508524199)

[عدم دخل قصد حکایت در موضوع له به خاطر مثال های نقض 2](#_Toc508524200)

[موارد نقض 3](#_Toc508524201)

[شاهد 3](#_Toc508524202)

[نکته: مراد از مدلول تصدیقی و تصوری چیست؟ 3](#_Toc508524203)

[خلاصه 4](#_Toc508524204)

[دلیل مدعا 4](#_Toc508524205)

**موضوع**: وضع هیئات /بحث وضع /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل بحث شد که مشهور جمله خبریه را به ثبوت نسبت یا لا ثبوت در خارج تعریف کرده بودند و استاد فرمود منظور از ثبوت تصدیق جزمی نیست بلکه حکم به تحقق است و منظور از نسبت اوسع است و رابطه هو هویت را نیز شامل میشود و منظور از قید فی الخارج همان وعاء مناسب با ان میباشد

# مفاد هیئت جمله خبریه

## اشکال مرحوم خویی بنابر مسلک تعهد

بحث در مفاد جمله خبریه بود مشهور فرمودند مدلول جمله خبریه ثبوت نبست یا لا ثبوت در خارج است که در مورد این تعریف بحث شد اشکال دیگری که بر این تعریف وجود دارد اشکالی است که مرحوم خویی وارد کرده است و فرموده است این تفسیر بر مسلک ما در وضع ناسازگار است و مخالف حقیقت وضع تعهد است و این معنای جمله خبریه قابل تعهد نیست زیرا ثبوت نسبت در خارج امری خارج از اختیار مکلف است وتعهد یک امر نفسانی است و به چیزی تعلق میگیرد که در اختیار مکلف باشد و ثبوت نسبت در اختیار مکلف نیست فلذا باید گفت که جمله خبریه عبارت از جمله ای که واضع متعهد شده است که از جمله خبریه حکایت بکند و حکایت کردن یک امر اختیاری است. بر خلاف مرکبات ناقص و جمله های انشائیه که چنین تعهدی نیست.

بله بر مسلک کسانی که وضع را یک امر اعتباری میدانند میتوانند جمله خبریه را به همان معنای مشهور تعریف کنند.

### حکایت ثبوت نسبت و لا ثبوت مدلول جمله خبریه هست یا نه؟

اولا:مرحوم اخوند فرمود حکایت از سنخ داعی است و از موضوع له خارج است و مشهور ان را داخل در موضوع له میدانند فلذا اینکه مرحوم خویی فرموده است که تعریف مشهور حکایت را اخذ نکرده است درست نیست بلکه انها حکایت را جزء موضوع له میدانند.

### عدم قصد حکایت در موضوع له بنا بر مسلک تعهد

ثانیا: اینکه ایشان فرمود بنا بر مسلک تعهد حکایت جزء موضوع له است، ما رابطه مسلک تعهد را با اخذ حکایت در موضوع له نفهمیدیم. نهایت چیزی که از مسلک تعهد فهمیده میشود این است که قصد تفهیم در موضوع له است نه اینکه قصد حکایت در موضوع له اخذ شده باشد. و حکایت از مسلک تعهد به دست نمیاید.

## مفاد جمله خبریه

ایا اخذ حکایت از واقع در مدلول جمله خبریه تمام است یا خیر؟ گفته شد که مشهور این مطلب را میخواهند بگویند که مدلول جمله خبریه حکایت است و حکایت معنایش این است که مستعمل با جمله خبریه میخواهد از واقع حکایت کند و نفس مخاطب را میخواهد به واقع مرتبط کند نه اینکه فقط معنا در ذهن احضار شود. پس در جملات خبریه دو چیز وجود دارد یکی اینکه احضار معنا در ذهن است و یکی نیز ارتباط خارج و واقع با ذهن است. در مقابل جملاتی که قصد حکایت از خارج نیست و لو اینکه احضار معنا در ذهن است.

### عدم دخل قصد حکایت در موضوع له به خاطر مثال های نقض

بعضی گفته اند که قصد حکایت نه جزء موضوع له است و نه داعی ان ها است بلکه قصد حکایت را از مقام میفهمیم و از باب الفاظ نیست زیرا ما یک مواردی داریم که جمله خبریه هست و مجاز هم نیست ولی قصد حکایت در انها نیست.

#### موارد نقض

1. مثلا «سمعت ان زیدا قائم» من نمیخواهم حکایت کنم بلکه فقط میگویم شنیدم.

جواب: در اینجا ما جمله خبریه را در معنای خودش استعمال نکردیم به این بیان که در «ان زیدا قائم» جمله نیست بلکه مفرد است و موول به مفرد است که مفاد ان قیام زید است. اما نسبت به جمله سمعت قصد حکایت از واقع دارم

2-هل «زید قائم» در اینجا جمله اسمیه است و قصد حکایت وجود ندارد

در اینجا این جمله انشائیه است و استفهام از ثبوت نسبت را انشاء است نه اینکه اخبار از مفاد باشد

3-در کنایات قصد حکایت نداریم ولی جمله خبریه است.

جواب: در اینجا قصد حکایت وجود دارد منتها از لازمه ی این جمله قصد حکایت دارد و از این معنا میخواهیم به سخاوت زید مثلا برسیم و قصد حکایت اعم از خود جمله است یا لازمه ان جمله است.

4-مواردی داریم که جمله خبریه است و قصد حکایت نیست مانند شوخی ها و استهزاء ها و مثال ها و جملاتی که مراد جدی با انها نیست. در این جملات قصد حکایت نیست و مجاز نیز حس نمیشود

##### شاهد

ما قصد حکایت را از مقام میفهمیم. اینکه شخصی قصد دارد از «بعت» قصد حکایت و یا قصد انشاء دارد از مقام فهمیده میشود و این مطلب منبه این مهم است که قصد حکایت در موضوع له اخذ نشده است و اینکه «بعت»دو بار وضع شده باشد یک بار با قصد حکایت و یک بار با قصد انشاء وضع شده باشد خلاف ارتکاز است.

پس حکایت نه جزء موضوع له است «چه بر مسلک تعهد و یا مسلک اعتبار» و نه قید علقه وضعیه است و قوام جمله خبریه به ثبوت نسبت یا لا ثبوت در ظرف خودش است بنا بر مسلک مشهور. و بنا بر مسلک تعهد قصد تفهیم خارج از مدلول جمله خبریه است

###### نکته: مراد از مدلول تصدیقی و تصوری چیست؟

این داستان در بحث های اینده خواهد امد ولی اجمال کلام این است که ما از «زید عالم» این مطلب را میفهمیم که در این جمله حکم به تحقق نسبت هست در مقابل تصور که حکم به تحقق نسبت نیست. بله بر مسلک تعهد مفاد جمله خبریه تصدیقی است به این معنا که قصد تفهیم معنا وجود دارد کما اینکه در مفردات نیز تصدیق وجود دارد چون در هر کدام متکلم قصد تفهیم معنا را کرده است اما در سائر مسالک قصد حکایت جزء موضوع له نیست.

خلاصه

نظریه اول: وحدت معنا بین جملات خبریه و انشائیه

نظریه دوم: تباین جمله خبریه و انشائیه. که این معنا موافق ارتکاز است که چند قول وجود داشت:

الف: جمله خبریه به معنای ثبوت نسبت و لا ثبوت در وعاء ان

ب: جمله خبریه به معنای حکایت کردن از ثبوت نسبت و لا ثبوت

ج: «نظریه مختار استاد»:جمله خبریه برای ثبوت نسبت و لا ثبوت نسبت وضع شده است و منظور از نسبت به معنای عام ان است و نسبت هو هویت را نیز شامل میشود و نسبت های مزدجه را نیز شامل میشود که اعم از صدوری و حلولی و وقوعیه است.

دلیل مدعا

1. عمومیت داشتن این معنا و عدم نقض بر این ادعا
2. موافق با ارتکاز است و تمام جمله های خبریه وضع شده اند برای ثبوت یا لا ثبوت نسبت بین دو طرف ان. بر خلاف مرکب ناقص که سخن از ثبوت نیست. ولو اینکه تصور هست ولی ثبوت نیست و همین فرق موجب میشود که در مرکبات تامه یصح السکوت باشد ولی در مرکبات ناقصه یصح السکوت نباشد